



نظری به موضوع وکالت تسخیری و اقداماتی که بعمل آمد امید موفقیت را بیشتر مینماید و یک نگاه اجمالی به این امر در بعضی کشورهای جهان

موضوع وکالتی که عنوانش «تسخیری» است و در حقیقت ملزم نمودن وکیل دادگستری به دخالت در امر وکالت در موارد خاصی است روز به روز بیشتر در دستگاه قضایی کشور کسب اهمیت می‌نماید زیرا اگر قبلاً به محاکمات جزائی اختصاص داشت اینک دیده می‌شود در موارد دیگری هم این نوع دخالت ضروری به نظر می‌آید چنانکه در قانون حمایت خانواده تعیین وکیل از طرف دادگاه و الزام وکیل به قبول آن به میان آمده است بدیهی است این امر نشان دهنده این حقیقت است که دخالت وکیل دادگستری در دستگاه قضایی برای تکمیل اجرای عدالت است که فلسفه وجودی قوه قضائیه می‌باشد و در واقع فرشته عدالت را دو بال است: یکی وکالت و دیگری قضاوت حتی برای بیشتر روشن شدن مطلب می‌توان از این دستوری که قانونگذار در قانون تشکیل محاکم جنایی داده است که در صورت کمبود عضو دادگاه جنایی می‌توان وکیل دادگستری را برای تکمیل آن دعوت نمود که محاکمه‌ای انجام شود چنین استفاده نمود که وکیل دادگستری در عین حال که شغل وکالت دادگستری خود را دارد می‌تواند در پرونده‌ای و برای محاکمه‌ای به قضاوت هم بپردازد در حالی که قضات فقط پس از بازنشستگی یا استعفاء از امر قضاوت می‌توانند به وکالت دادگستری بپردازند و این خود نشان می‌دهد که نقش وکیل دادگستری در قوه قضائیه انجام دهنده ضرورتی است در امر تشخیص حق و اجرای عدالت که نمی‌توان از آن منصرف بود و وکیل دادگستری کسی است که حتی وزیر

دادگستری حق دارد در هر موقع او را به شغل قضاوت دعوت نموده و متناسب با سوابق وکالتی اش رتبه قضائی مجاز در قانون برایش تعیین کند. پس با توجه به این مراتب که وکیل دادگستری در ردیف قاضی است و انجام وظیفه قاضی بدون اجرت نیست چگونه می توان فرض نمود که در موارد ملزم نمودن وکیل دادگستری به قبول وکالت و انجام وظیفه وکالتی اش بدون اجرت باشد و حتی نام «تسخیر» به او گذارد؟ جای خوشوقتی است که جناب آقای صادق احمدی وزیر دادگستری در بدو کار خود با دعوت از نخبه های از قضات مرکز و استانها به تشکیل کنفرانس قضایی در تهران پرداختند که نظریه اعضای کنفرانس را در اصلاح امور دادگستری کسب نمایند و لازم به تذکر است که در همان کنفرانس نتیجه مشاهدات اعضای آن از تراکم امور وکالت به اصطلاح تسخیری و اعتراضات وکلا به این بی توجهی که در این امر شده است بدین موضوع توجه نموده در یکی از کمیته های کنفرانس به این نتیجه رسیدند که اولاً نام تسخیری به «وکیل انتخابی دادگاه» تغییر داده شود و ثانیاً حق الزحمه وکیل هم در هر مورد پرداخت شود و باز هم جای بسی خوشوقتی است که با اقدامات پیگیر رئیس و سایر اعضای هیأت مدیره کانون وکلا در این خصوص و ملاقاتهایی که با جنابان آقایان نخست وزیر و وزیر دادگستری به عمل آوردند نتیجه حاصل شد و موجب گردید که در این راه پس از سالها شکایات و اعتراضات وکلای دادگستری به این بی توجهی که در حق آنها شده بود یک قدم عملی برداشته شود بدین توضیح که اولاً به دستور جناب آقای صادق احمدی طرح آئین نامه ای باتشریک مساعی هیأت مدیره کانون وکلا پرداخته گردید ثانیاً قرار شد مبلغ ده میلیون ریال فعلاً در بودجه سال ۱۳۵۲ وزارت دادگستری در این باره تأمین شود تا نخستین گام عملی اجرای این امر برداشته شود. بدیهی است باید این امر را یک اقدام مقدماتی دانست تا بتوان با آمار صحیح این نوع محاکمات در سراسر کشور تعداد واقعی آن و تعیین حداقل حق الزحمه را تشخیص داده از دولت خواست در سال بعد اعتبار واقعی آنرا تأمین نماید والا محل تردید نیست که این مبلغ هرگز جوابگوی پرداخت حداقل حق الزحمه قسمتی از این نوع محاکمات هم نیست. اینک از این موقع استفاده نموده در ترتیبات مقرر در بعضی از کشورهای جهان در امر «وکالت انتخابی دادگاه» و میزان حق الزحمه های آنها مختصری در این جا به عرض می رسانم تا زمینه ای برای تأمین این حق به دست آید:

۱- در کشور ایالات متحده، امریکا: قانون مربوط به این نوع دخالت وکیل اولاً جزو قوانین فدرال است که در کلیه پنجاه ایالت اجرا می شود ثانیاً اعتبار پرداخت حق الزحمه وکیل در بودجه وزارت دادگستری تأمین و از آن محل پرداخت می گردد ثالثاً میزان حق الزحمه نیز از این قرار است: اقدام وکالتی در داسرا برای هر ساعت ۳۰ دلار و برای انجام کار در خارج از دستگاه قضایی از قبیل لایحه یا اقدام در دفتر وکالتی ساعتی ۲۰ دلار ولی در صورت انجام امر وکالت در دادگاه اگر در دادگاه جنحه باشد حداکثر ۵۰۰ دلار و اگر در دیوان جنائی باشد حداکثر ۱۰۰۰ دلار حق الوکاله آنست مگر اینکه حق الزحمه وکیل متناسب با این مبلغ نباشد که با

تشخیص دادگاه افزایش میزان آن تعیین گردیده از آن قرار به وکیل پرداخت می‌گردد.

۲- در کشور انگلستان: در این کشور که امر وکالت به دو شکل انجام می‌پذیرد یعنی طبقه‌ای از کلا به‌عنوان مشاور حقوقی در دادگاه حاضر نمی‌شوند و طبقه‌ای به‌عنوان وکیل مدافع در دادگاه‌ها به محاکمه می‌پردازند استفاده از این نوع وکالت دامنه‌دارتر است چنانکه از طرف دستگاه‌های مختلف از قبیل وزارت کشور، شوراهای ایالتی و ولایتی انجمن‌های شهر، نیز هزینه‌هایی در استفاده از دخالت وکیل برای انجام وظیفه در حق افراد بی‌بضاعت تأمین گردیده است که به وکلا پرداخت می‌شود اما درباره حق الزحمه دفاع از متهمین به امور کیفری طبق مقررات سال ۱۹۶۰ عبارتست از: در دادگاه‌های جنحه حداقل ۶ پوند و ۶ شلینگ و حداکثر ۴۷ پوند و ۵ شلینگ و در صورت ادامه محاکمه برای هر جلسه ۹ پوند و ۹ شلینگ. و در دادگاه‌های جنایی حداقل ۴۸ پوند و ۸ شلینگ و حداکثر ۷۸ پوند و ۵ شلینگ و برای روزهای بعد جلسات محاکمه هر روز ۱۵ پوند و ۱۵ شلینگ: اما اگر کیفیت محاکمه‌ای اقتضای حق الزحمه بیشتری را داشته باشد آنچه دادگاه تشخیص داده گواهی نماید از آن قرار باید پرداخت گردد. همچنین وکیل حق دارد صورت حساب هزینه ایاب و ذهاب و مخارج ضروری و همچنین حق‌المشاوره و حتی حق الزحمه تهیه لوایح خود را هم مورد مطالبه قرار دهد. ضمناً توضیح داده می‌شود که پرداخت کلیه این مبالغ به وکلای مزبور از طرف دولت می‌باشد که در بودجه مملکتی اعتبار آن تأمین می‌گردد.

۳- در آلمان: طبق قانون آیین دادرسی آن کشور تعیین وکیل از طرف دادگاه علاوه بر محاکمات جزایی در موارد دیگری از قبیل اداء قسم و دادگاه‌های اطفال نیز پیش‌بینی شده و حق الزحمه‌ای که مورد اعتراض وکلای دادگستری بوده و برای افزایش آن دولت لایحه‌ای تهیه نموده تا تصویب شود از این قرار است: دخالت وکیل در امر محاکمات جنحه‌ای و جنایی بدون حضور در دادگاه حداقل ۳۰ و حداکثر ۳۶۰ مارک. و در صورت حضور در دادگاه و انجام محاکمه حداقل ۶۰ و حداکثر ۷۲۰ مارک و در صورت افزایش جلسات دیگر بر محاکمه مبلغ ۲۴۰ مارک دیگر بر حق الزحمه اضافه می‌گردد. اما برای دخالت وکیل در دادگاه‌های استیناف و ادای قسم و دادگاه‌های اطفال اگر بدون حضور در دادگاه‌ها باشد حداقل ۲۵، و حداکثر ۳۰۰ مارک و در صورتی که انجام وظیفه وکالتی با حضور وکیل در دادگاه باشد حداقل ۵۰ مارک و حداکثر ۶۰۰ مارک.

۴- در دانمارک: از وکیل انتخابی دادگاه در دو مورد استفاده می‌شود: اول وقتی عدم بضاعت متهم برای تعیین وکیل در نظر دادگاه محرز باشد دوم وقتی دادگاه با توجه به کیفیت اتهام تعیین وکیل را لازم تشخیص دهد. اما تشخیص میزان حق الزحمه وکیل هم با خود دادگاه است که با توجه به موضوع دادرسی و مقدار کار انجام شده آنرا در نظر می‌گیرد. ضمناً دادگاه چنانچه متهم در اصل اتهام محکوم گردد او را به پرداخت همان حق الزحمه‌ای که برای وکیل تعیین نموده محکوم و ملزم

می‌نماید. بدیهی است اعتبار پرداخت حق‌الزحمه اینگونه وکالت‌ها اصولاً از بودجه مملکتی است که دولت آنرا به وکیل می‌پردازد.

۵- در ژاپون: برای پرداخت حق‌الزحمه دفاع وکلای انتخابی از طرف دادگاه نسبت به ۴۲۵۰۰۰ متهم در سال ۱۹۶۸ دولت ژاپون مبلغ ۳۷۰ میلیون ین که معادل یک میلیون دلار بود پرداخت نمود که چون از طرف وکلای دادگستری نسبت به کمی آن اعتراض شده بود زیرا متوسط حق‌الزحمه فوق برای محاکمه‌ای فقط ۹۰۰۰ ین که معادل ۳۰ دلار است محسوب می‌شد ولی در سال ۱۹۷۱ این پرداختی به ۴۰۰ میلیون ین یا معادل یک میلیون و سیصد هزار دلار بالغ گردید. پس باتوجه به مطالب فوق‌تردیدی نیست که اولاً درکشورهای جهان امر دخالت وکیل دادگستری در امور قضایی بقدری مؤثر است که در خیلی از موارد از مراجع قضایی بحکم قانون دخالت وکیل را الزاماً باید رعایت نمایند و آنها را تعیین‌کنند. ثانیاً انجام وظیفه وکالتی وکیل هرگز بدون پرداخت حق‌الزحمه نیست، ثالثاً دولت که وظیفه‌دار اداره امور اجتماع میباشد و امر اجرای عدالت را برعهده گرفته است باید این حق‌الزحمه را به وکیل پردازد زیرا وظیفه وکالتی وکیل درعرض وظیفه قضاوتست که از بودجه خود حقوق و مزایای قاضی را تأمین و پرداخت مینماید. رابعاً تعیین این حق‌الزحمه باید متناسب با کیفیت محاکمه و مدت اشتغال وکیل در هر محاکمه‌ای باشد. اینست که انتظار میرود پس از سالها بی‌توجهی به این حق مسلم وکلای دادگستری ایران اینک که دولت اعتقاد به حقگزاری در این امر یافته باکشایش چشمگیری که در امور مالی مشهود است و با افزایش محسوسی به بودجه‌های کلیه دستگاههای کشور که در بالا بردن هزینه زندگی بدون تردید مؤثر است اعتباری برای این قسمت در بودجه در نظرگیرد که لااقل حداقل حق‌الزحمه وکیل انتخابی از طرف دادگاه را تأمین نماید.

ابوالحسن عمیدی نوری

۵۱/۹/۳۰

*****!
